

# قانون و جایگاه رفیع آن در نظام اسلامی

## قانون و قانون‌گرایی

یکی از مسایل بسیار اصولی و اساسی که هویت فرهنگی و شخصیت والای یک ملت را تشکیل میدهد و معرف تمدن و تعالی ابعاد معنوی و ارزش آنان میباشد، احترام بقانون و قانون‌گرایی است. هر انسانی به همان اندازه که برای قانون احترام قایل است و آمادگی دارد در راه حفظ و حرمت از آن بکوشد و تلاش نماید، همان اندازه دارای ارزش و شخصیت اجتماعی و انسانی میباشد. احترام بقانون مراحل مختلف و متعددی دارد و هر کدام از آن مراحل مورد توجه و اعتنا قرار نگیرد، زندگی اجتماعی و انسانی تحقق نمی‌پذیرد.

اولین مرحله از مراحل احترام بقانون و قانون‌گرایی جامعه، داشتن یکسری اصول و معیارهایی است که باید در تمام زوایای زندگی حاکم گردد و مدنظر واقع شود و هر جامعه متمدن و فرهنگی و مشرقی از حاکمیت یکسری اصول و معیارهای ثابت و مطمئن ناگزیر است و حافظ بقا و ثبات ملتها توجه بهمین اصول ثابت و مطمئن است.

و بدون تردید نداشتن چنین معیارهای روشن و قیاسی و بدیهی و طبیعی باعث از بین رفتن جوامع بشری و اضطراب آنان خواهد بود. دومین مرحله از مراحل قانون‌گرایی در جامعه فهم و درک عمیق مردم کلی ارتباط با قوانین و مقررات است زیرا که واضح است اگرچه معیارهای روشن و آشکاری در بین باشد و گذشت زمان هم نتواند آنها را دگرگون و متغیر سازد ولی اگر افراد جامعه نوعاً از مفهوم و محتوای آنها بی‌اطلاع و ناآگاه باشند، طبعاً نمیتوان در جامعه تضمین کرد که قانون اجراء گردد و افراد جامعه احترام بقانون نموده و قانون حاکم گردد زیرا که پیگیری کردن مجهول مطلق و انتظار پیاده شدن آن ممکن نبوده و محال میباشد.

بعد از فهم و درک درست قوانین و مقررات در مرحله سوم که فوق‌العاده مهم است ایمان و باور عمیق مردم نسبت بآنها است و این عنصر مهم باور و ایمان بقانون نقش تعیین‌کننده دارد و مشکل اصلی جوامع بشری امروز مخصوصاً در جوامع مشرقی و پیشرفته، که افراد دارای تحصیلات بالائی هستند و از محتوای قوانین اطلاعات نسبی خوبی دارند ولی در مقام عمل بقانون احترام قایل نمیشوند. عمده‌تأثر از این جهت است که ایمان به این قانون ندارند و اعتقاد ندارند که عمل به قانون و مقررات از باب وظیفه است و فکر میکنند میتوانند قانون شکن باشند و در عین حال عمل بوظیفه هم کرده باشند!

و یکی از گرفتاریهای جامعه امروز ما همین است که بعضی از متدینین ظاهر الصلاح که بطواهر شریعت تقید و تمسک دارند و به نماز و روزه خودشان مواظب هستند و خودشان را مقید بدستوراتی مینمایند که مثلاً در رساله‌های عملیه مندرج است، منتهی با کمال جرأت بغواصین و مقررات اعتناء لازم را نداشته و به خود اجازه میدهند از کنار آنها رد شده و قانون را زیر پا بگذارند و علناً خلاف نمایند؛ ریشه این نوع برخورد به همان مسئله بر میگردد که در بالا اشاره شد و آن اینکه شرط اصلی پیاده شدن یک قانون و حاکمیت قانون در جامعه و قانون‌گرایی، ایمان و باور مردم به اصالت و قداست قانون است. اگر باور و ایمان با احترام قانون در میان افراد جامعه سرمان و شمول پیدا کند طبعاً در درون هر فردی داعی و انگیزه برای عمل بآن و مخالفت با بی‌حرمتی و بی‌اعتنائی بقانون فراهم گردیده و آنها را سوی اجراء قانون و مراعات معیارها و ضوابط دعوت مینماید و رسولان الهی و اولیاء دین برای اینکه دعوت آنان ابرنماید و پیروانشان با آسانی بآنها عمل نمایند و فرامین خداوندی تعطیل نگردد، روی عنصر ایمان و باور زیاده توصیه و تأکید کرده‌اند و سر موفقیت حرکت‌های دینی و نهضت‌های اسلامی در سیج مردم و تشویق آنان برای دفاع مقدس و آمادگی آنان برای دفاع تا مرز شهادت همین ایمان و باور مردم است.

ایمان بقانون و اعتقاد بقداست یک دستور الهی مانند یک پلیس درونی و باطنی است که وی را نمیکند آرام بنشیند و از اجراء آن چشم‌پوشی نماید و آن را در جامعه که رنگ جلوه دهد و در صورت تخلف، همان باور و ایمان درونی که در ظاهر ظاهر نمیشود، وی، تخلف را با آن صورت زشت و بدی که دارد و بسیار کریه و نیاخوش آیند است، در مقابل چشماتش مصور و مجسم نشان داده و عمل خلافش را با همان صورت باطنی جلوه داده و باطن را متوجه به قبح تخلف نموده و او را سیرزیش میدهد و بصورت مستمر عذایش می‌نماید و لذا انسانهای سالم و دست‌نخورده و مسخ نشده که دارای فطرت سالمی می‌باشند بالطبع گرایش به سلامت و عمل به اصول و ضوابط پیدا کرده و معمولاً تمرد و عصیان نمی‌کنند و با سلامت بر زندگی خود ادامه میدهند و وقتی که اکثریت افراد جامعه را مؤمنان و باورداران تشکیل دادند، زمینه وقوع جرایم و آلودگیها بعد اقل رسیده و در بعضی از موارد بطور کلی منتفی خواهد شد و افراد نادری پیدا خواهند شد که در اثر خبث باطنی و سوء تربیت و امثال ذلك تمایل با آلودگیها و گناهان در آنان شدت پیدا کرده و در مقام عمل، قانون را زیر پا گذاشته و احترام آن را حفظ نمی‌نمایند و با کمال جسارت دست بخلاف میزنند و قانون شکنی میکنند.

و لذا شارع مقدس اسلام برای اینکه کاملاً بتواند زمینه اجراء قوانین و مقررات را فراهم نماید و جلوه‌هر نوع تخلف و بی‌اعتنائی بقانون را بگیرد و افراد جامعه را برای پیاده کردن قوانین و ادار سازد، مرحله چهارمی نیز در نظر گرفته است و این مرحله در حقیقت مرحله برخورد با خلاف کارها و متخلفان است و مسئولیت اجراء و اتمام این برخوردها را در عهده حکومت اسلامی گذاشته و از

آن خواسته است با دقت نظارت نموده و شرایط اجرا را بخوبی فراهم کند و با متخلفان با شدت رفتار نماید. بنابراین اگر جامعه بسوی قانون و قانون‌مندی و قانون‌گرایی حرکت کند، همه این مراحل را باید در نظر گرفته و با توجه به همه آنها انتظار قانون‌گرایی را داشته باشد و نادیده گرفتن هر کدام از این مراحل عملاً موجب پیاده نشدن قانون و عدم حاکمیت آن خواهد بود.

## قانون و حکومت صالحه

سعادت و عظمت یک ملت با دورکن اصلی و اساسی قابل تحصیل و بوجود آمدن است که هر کدام از این دورکن اساسی به تنهایی کافی برای سعادت و تأمین عظمت یک ملت نمی‌باشد. یکی از آن دورکن قانون و مقررات کامل و جامع‌الاطراف است که در آن تمام نیازها و احتیاجات متنوع و گوناگون بشری دیده شده و راه حلی هم ارائه گردیده است و دومی اجرای کامل آنها است برای اینکه تنها داشتن قانون و مقررات هر قدر هم کاملتر و جامع‌تر باشد برای سعادت و آزادی و عظمت و اداره یک جامعه کافی نیست بلکه در صورتی همان قوانین و مقررات، سعادت و عظمت جامعه را تأمین می‌نماید که بمرحله اجرا درآید و مجریان دقیق و عادلانه داشته باشد که موبه مو آنها را اجرا کنند.

بنابراین اجرای قوانین وقتی واقعیت خارجی پیدا میکند که قوانین در کنار مجریان صالح و عادل قرار گیرد و بهمین جهت نه مجری عادل به تنهایی میتواند سعادت جامعه را تأمین نماید و نه تنها قانون. ولو اینکه حسی قوانین الهی و آسمانی باشد میتواند عهده‌دار سعادت جامعه باشد. از این رو دو عنصر قانون کامل و حکومت عادلانه هر دو باید با هم و در کنار هم و در ارتباط تنگاتنگ با هم در نظر گرفته شوند. علت و فلسفه این امر نیز روشن و واضح است. حکومت برای ایجاد و نظم و اداره جوامع بشری و اعمال نظارت و کنترل انتظامات و مقررات و برخوردهای جمعی افراد است و انسانی که باید در جامعه زندگی کند و استعدادهای خویش را در سایه حیات جمعی بمرحله بروز و ظهور برساند، امکان ندارد مگر اینکه حکومتی که ناظر و کنترل‌کننده است، در کار باشد. حکومت اگر بخواهد بوظایف خویش عمل نماید و به اهداف خویش برسد، از طریق اعمال مقررات و قانون امکان‌پذیر است و از جهت فلسفه اجتماعی، این دو تا را نمیتوان از هم تفکیک و جدا ساخت و بصورت مجزده برای هر کدام بطور جداگانه حسابی باز کرد و شیوه‌های حکومتها در عالم و انبیا الهی نیز گواه بر این مطلب است حکومتها نه تنها ضامن اجرای قوانین و مقررات می‌باشند بلکه الگوی عمل بقوانین هستند و باید باشند و لذا وقتی که قوانین از طرف خود حکومت و مسئولان نظام زیر سؤال قرار گرفته باشند و مردم مشاهده نمایند آناتیکه باید بیش از همه تقید بقانون داشته باشند، بیش از همه قانون‌شکنی میکنند، حرمت قانون شکسته می‌شود و قانون‌شکنی و حرمت‌شکنی یک کار عادی و معمولی خواهد بود و آن روز هیچ حرمتی و حریمی اطمینان نمیتوان داشت.

امام خمینی در این رابطه چنین میفرماید: «مجموعه قانون، برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود بقوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد بهمین جهت، خداوند تعالی در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت دستگاه اجراء و اداره مسخر کرده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در رأس تشکیلات اجرائی و اداری جامعه مسلمانان فرار داشت، علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام، به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت گماشته بود تا دولت اسلام را بوجود آورد.

در آن زمان مثلاً به بیان قانون جزاء اکتفاء نمیکرد بلکه در ضمن به اجرای آن می‌پرداخت، دست می‌سپرد، حد می‌سزد و رجم می‌کرد. پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله، خلیفه همین وظیفه و مقام را دارد. رسول اکرم صلی الله علیه و آله که خلیفه تعیین کرد، فقط برای بیان عقاید و احکام نبود بلکه همچنین برای اجرای احکام و تنفیذ قوانین بود. وظیفه اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام بود که تعیین خلیفه را تا حدی مهم گردانیده بود که بدون آن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله «عابقت رسالت» رسالت خویش را به انعام نمیرسانید. زیرا مسلمانان پس از رسول اکرم «من» نیز بکسی احتیاج داشتند که اجرای قوانین کند و نظامات اسلام را بجامعه برقرار گرداند تا سعادت دنیا و آخرتشان تأمین شود.

اصولاً قانون و نظامات اجتماعی، مجری لازم دارد. در همه کشورهای عالم و همیشه اینطور است که قانون‌گذاری به تنهایی فایده ندارد. قانون‌گذاری به تنهایی سعادت بشر را تأمین نمیکند. پس از تشریح قانون، بایستی قوه مجریه‌ای بوجود آید. قوه مجریه است که قوانین و احکام دادگاهها را اجرا میکند و نمره قوانین و احکام عادلانه دادگاهها را عاید مردم می‌سازد. بهمین جهت، اسلام همانطور که قانون‌گذاری کرده است، قوه مجریه هم فرار داده است و لی‌امر متصدی قوه مجریه هم هست.

بالاترین و مستندترین جملات و عبارات همین‌ها بود که از حضرت امام آورده شد و عبارت حضرت امام بوضوح نشان می‌دهد قوانین و مقررات هر قدر دقیق و جامع هم تنظیم شده باشد و تمام جهات و زوایای مورد نیاز را نیز دیده باشد و توجه به تمام اوضاع و شرایط و جزئیات نماید، مادامیکه در قالب عمل نیامده است و دستگاه اجرائی، آنها را باجراه درنیامورده است و نظام حاکم حمایت و حرمت از حریم آن را بعهده نگرفته است، کوچکترین نقش و تأثیری در تأمین سعادت و خوشبختی بشر نمیتواند داشته باشد.

بنابراین قانون همیشه باید در کنار یک نظام و تشکیلات دیده شود و آن نظام و تشکیلات متمهد شود که آن را اجرا نماید و با اجرای آنها، نیازهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی جامعه را برطرف ساخته و پاسخگوی خواسته‌های اجتماع گردد. اساساً قانون و مقررات اسلامی برای عمل و پیاده کردن است و اگر مورد عمل قرار نگیرد و در اجراء، مورد بی‌مهری واقع شود، کوچکترین تأثیری در سرنوشت بشر و در سعادت آنها نخواهد داشت.

و شاید یکی از علل اینکه در کتاب مقدس آسمانی قرآن کریم در اکثر موارد از ایمان به خدا و قیامت و غیب سخن به میان آمده است، روی عمل صالح تکیه فرموده است. اشاره بهمین جهت باشد که ایمان بمطلق غیب که نقش بسیار بالائی در علوباطن و درون انسان دارد، وقتی میتواند از کارائی بهتری برخوردار گردد و جهت جامعه را بسوی خیر و کمال هدایت برگردانده و افراد را بسوی تعالی، رهبری نماید که توأم با عمل صالح بوده و مؤمنان دارای اعمال صالحه باشند و اعمال صالحه همانا انعکاس مثبت و زیبایی ایمان انسانها به ارزشها و معارف حق الهیه است. ایمان است که به اعمال انسان جهت داده و اعمال صالحه ایمان را ناب و خالصتر نموده و استحکام زیادتری به آن می‌بخشد و هر چه ایمان آدم قوی‌تر باشد، همان اندازه اعمال انسان رنگ صلاح و کمال و خیر بخود می‌گیرد و هر اندازه اعمال صالح بیشتر شود، همان اندازه ایمان قوی‌تر و ریشه دارتر خواهد بود.

## شیوه قانون‌گذاری در نظام اسلامی

در دوران حیات ظاهری نبی اعظم اسلام که هدایت و رهبری حکومت و امت اسلامی با دست با کفایت آن مرد عظیم الهی اداره میگشت و لحظه بلحظه

نیازهای امت اسلامی و دستورالعملهای مورد نیاز آنان بصورت وحی و در شکل کلی مطرح میشد و با عمل و رهنمودهای آن پیشوای بزرگ، تفسیر و معنی و مصداق عینی و جزئی پیدا میکرد، جامعه نیازی بقانون گذاری خاص و شیوه مخصوص برای قانون گذاری احساس نمیکرد. مسئولان جامعه و مدیران دستگاههای مختلف هیأت حاکمه، آیات الهی و سخنان و سیره های رهبر عظیم الشان خود حضرت پیامبر را ذهن بذهن نقل میکردند و با همان شیوه که از پیامبر «ص» یاد گرفته بودند و نوع مردم نیز آشنا بودند و تقید داشتند یا کمال امانت، آنها را ضبط نموده و نگهداری نمایند و بعلاقتمندان منتقل سازند و لذا در این دوره، قانون گذاری از شیوه خاصی برخوردار نبوده و قانون گذاری، پیچیدگی نداشته است؛ همان وحی الهی و آسمانی که توسط جبرئیل امین علیه السلام نازل میشد و در مقاطع حساس تصمیم گیری راه و مسیر را روشن و هدایت لازم را بعمل می آورد و آن امام و پیشوای معصوم علیه السلام با الهام غیبی و هدایت وحی آسمانی که دارای بصیرت و بینش عمیق و نافذی شده بود، در میدان عمل و رهبری راهگشای کارها و برخوردها بود. قانون و قانون گذاری و دیگر ابعاد و زوایای آن توسط شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله انجام می یافت. قانون همان و دستور العمل و مقررات همانها بودند که از طریق وحی الهی و یا سیره و سنت رهبری معصوم پیامبر اسلام ابلاغ و اعلام میشد و غیر از این شیوه، شیوه دیگری که مقبول و پذیرفته شده باشد، وجود نداشت و درست هم نبود و این شیوه که همان سیره رهبری پیامبر عظیم الشان اسلام صلی الله علیه و آله و وحی آسمانی بود، بصورت منابع قانون گذاری در اختیار امت اسلامی قرار گرفت و جاودانه و ابدی تا روز قیامت باقی خواهد ماند.

### قانون پس از پیامبر

پس از ارتحال قائد عظیم الشان دنیای اسلام «ص» که امت اسلامی با فقدان رهبر و پیامبری روبرو گردیدند و با فقدان وی وحی آسمانی قطع گردیده و اداره جامعه اسلامی بطریق روایات معتبر و در حد توأثر که در دست خاتم النبیین کسانیکه گذشته شد که نزدیکترین افراد جامعه به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بوده اند و با زریان وحی و قرآن، آشنائی کافی و ولئی داشته اند و دارای تفویض الهی در حد عصمت میباشد و درونی صاف و پاک دارند بطوریکه معارف الهی بقلب و باطن آنان الهام میشود و بالأخره امامت و رهبری جامعه اسلامی بدست افرادی سپرده شده است که آنان علماً و عملاً و خلقاً و از تمام جهات دیگر، نزدیکترین و مقربترین انسانها برسول الله صلی الله علیه و آله می باشند.

در دوران آنان نیز قانونی دارای اعتبار و ارزش بود که از قرآن و سنت گرفته شده و با توجه بآن منابع عام و کلی تنظیم شده باشد و چون در رأس نظام اسلامی امام و رهبر معصومی قرار داشت و هدایت و اداره امت اسلامی را در عهده داشت و دستورالعملها از ناحیه آنان و مسئولان دیگری که زیردستان مأموریت انجام وظایف حکومت دارا بودند، متکی بهمان منابع قرآنی و سنت بود، قانون گذاری شیوه خاصی نداشت و با توجه به سادگی ارتباطات و عدم پیچیدگی آن، خیلی هم نیاز بشیوه خاص نبود و تفکیک قوی باین شکل و صورت که امروز دارج و متداول است، آنروز مصداق خارجی نداشته و شاید حتی بذهن کسی هم خطور نمیکرد. اعضای حکومت که مسئول اجراء مقررات دینی و نظامات دولتی و حکومتی بود چون اکثر آنان از نزدیک با پیامبر اسلام «ص» همراه بودند و شیوه

زندگی و حکومت او را دیده بودند و نزول تدریجی قرآن را مشاهده نموده و آیات آن را حفظ داشتند، با استناد بآیات قرآنی و نصوحی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به یاد داشتند، دستورالعملها را تنظیم و برای اجراء، ابلاغ می نمودند و قانون گذاری با همین شکل صورت می گرفت و شکل دیگری را لافظ ما در تاریخ سراغ نداریم.

با گذشت زمان بتدریج هرچه زمان بیشتر فاصله میانداخت و مردم از زمان وحی دور میشدند و اتساعها با سیره و شیوه پیامبرشان در شکل نقل قولها و گفتارها آشنا میگشتند و شاهدان عینی و کاتبیکه بصورت حضوری، روش و شیوه رهبرشان را دیده باشند و بصورت مشهود روی آن تکیه نمایند، کم کم جایشان را با افرادی میدادند که در آن صحنه ها نبودند و از دور اخبار رسول خدا را شنیده و در حقیقت غیب، ایمان آورده بودند و واقعاً مصداق کامل «شنیدن کی بود مانند دیدن» بودند، قهراً منابع قانونی همانها بود که در دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان اهل بیت علیهم السلام مورد استناد بود و شیوه حکومت اسلامی و دستورالعملهای حاکمان اسلامی را ترسیم و تنظیم مینمود و شکل میداد، منتها تفاوت این دوره با آن دوره بسیار زیاد است زیرا که دست امت اسلامی از کسانی که بطور مستقیم با عالم غیب و وحی مرتبط باشند و احکام الهی و قانون محکم خداوندی را از عالم غیب دریافت نمایند و در اختیار بشر قرار دهند، کوتاه بوده و عمدتاً سروکارشان با کتاب و الفاظ و عبارات و نقلها است اگر چه همینها نیز لازم الاتباع و بتعبیر علم اصول فقه از قبلی خدای عالم به عبادش و از قبلندگان خدای عالم حجت میباشد و بصورت کلی با آنها نمیشود مخالفت کرد، اما احتمال خلاف و عدم تطابق با واقع نیز ممکن و بصورت جزیی و واقعی محتمل است، برای اینکه مستند قوانین بدست آمده یا ظواهر قرآن مجید است که اگر چه قطعی السند و الصدور از قبل خالق عالم میباشد ولی از جهت دلالت دارای ظهور بوده و نقلی الدلالة بحساب می آید و با روایات و منقولات موجود در اوراق کتابها نیست، هر قدر هم نویسنده کتاب فرد معثری باشد و سند روایات و منقولات از اعتبار بالائی برخوردار باشد، در عین حال ظنی السند و الصدور میباشد و احکام الهی و مقررات اسلامی که بصورت قانون درمی آید از خلال همین کتاب و سنت بدست می آید و اینجا پای اجتهاد و فقاهاست و استنباط مجتهدانه فقیهان اسلامی مطرح گردیده و میان می آید و لذا در نظام قانون گذاری اسلامی در این برهه از زمان که دست ما از زمان امام معصوم علیه السلام کوتاه است و از رهبری الهی چنان انسانهای وارسته، محروم هستیم، ناگزیریم که از پشتوانه اجتهاد مستقر و فقاهاست مستنبط برخوردار باشیم.

در حقیقت همان مجتهدان عادل و عارف بزمان هستند که با توجه به شرایط زمانی و مکانی و دیگر عوامل مورد نیاز جامعه که از خلال کتاب الهی و سنت نبوی، احکام الهی و قوانین را بدست می آورند و در اختیار جامعه قرار می دهند و چون مستند آنان کتاب خدا و سنت پیامبر است، اطاعت و تبعیت از احکام و نظرات مستنبط آنان لازم و تخلف از مجموعه نظرات فقاها مستنوع میباشد ولو اینکه تقلید از افراد واجد شرایط یکسان، امری اختیاری است و الزامی برای تبعیت از یکی از آنها در ابتداء درین نمیباشد و بحث درباره خصوصیات تقلید و شرایط آن و دیگر مسائلی که در این باره مطرح است، از جایی دیگر می باید مطالبه شود، و علاقمندان بجای مناسب خودش مراجعه نمایند.

## قانون در سایه اجتهاد

در نظام اسلامی که زیر نظر مجتهدان و فقیهان جامع شرایط اداره میشود قانون گذاری و دستگاههای قانون گذاری وقتی از اعتبار شرعی و قانونی برخوردار است که در راستای نظرات و ولایت مجتهد و فقیه عادل و جامع شرایط قرار گیرد و در حقیقت، مهر تأییدی از ناحیه مقامی داشته باشد و بدون آن فاقد هرگونه اعتبار و سندیت میباشد و بهمین دلیل هر نوع مقررات و دستور العمل که از ناحیه شخصی و یا مقامی و دستگاهی جعل شود و برای اجراء ابلاغ گردد، اگر دارای مهر تأیید از ناحیه مقام شرعی و دینی باشد، حالت قانونیت داشته و دارای مزیت بوده و قابل استناد است، و از همین جا بدست می آید که قانون گذاری در نظام اسلامی چقدر مهم بوده و در واقع جزء شئون حضرت حق و ذات اقدس حضرت باری تعالی است و کسانی میتوانند در این وادی وارد شوند که یا باید در صف انبیاء الهی و اولیاء معصوم قرار گیرند و یا از مجتهدان و فقیهان عادل و آشنا بزمان و واجد شرایط لازم استنباط احکام و قوانین الهی باشند و در غیر این صورت نمیتواند از اعتبار و سندیت کافی برخوردار گردند و در جمهوری اسلامی و در قانون اساسی آن مجلس شورای اسلامی که این همه اعتبار دارد و دارای مقام بسیار رفیع و بلند است و در رأس همه قوئی قرار دارد و مسئولیت قانون گذاری را بعهده دارد، مصوبات آن وقتیکه مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و فقیهان امت و نمایندگان مجتهد و فقیه عادل و جامع شرایط که ولایت و امامت امت اسلام را بعهده دارد، آنها را تأیید و امضاء کردند، دارای قانونیت و سندیت بوده و قابل استفاده میباشد و مخالفت با آنها در حکم مخالفت با قوانین الهی و احکام خداوند میباشد.

## جایگاه مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی که در آن نمایندگان واقعی مردم حضور دارند و با رأی آنان حمایت قاطع مردمی و ملت پشت سر هر قانونی تجلی می یابد و با مهر تأیید فقیهان امت اسلامی، تطابق این تصمیمات و رأیها با شریعت اسلام ظهور و بروز میرسد، در چنین وضعی احکام و قوانین و مقررات مصوب مجلس شورای اسلامی هم حمایت و بیعت مردم را همراه خواهد داشت و هم مطابقت با شریعت را و بالطبع این نوع مصوبات از اعتبار بسیار بالائی برخوردار خواهد بود و بهمین دلیل مشخص خواهد بود که جایگاه مجلس شورای اسلامی و نمایندگان مردم که تصمیم گیرندگان واقعی مردمی میباشند و با توجه به اصول و ارزشهای اسلامی، برای تأمین مصالح مردم و جامعه، این نوع تصمیمها را میگیرند و تصمیمات آنان در قالب قانون و مقررات، در جامعه پیاده می شود و بمرحله اجراء درمی آید، چقدر رفیع و بلند است و مسئولیت نمایندگی چقدر سنگین و طاقت فرسا است و شرایط نمایندگی بودن چقدر باید دقیق و ظریف مد نظر قرار گیرد و این شیوه معمول کنونی اگرچه در دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام نبوده است ولی بنظر میرسد، شیوه خوب و موثقی میباشد و این شیوه را وقتی که امامت امت اسلامی و ولایت فقیه تأیید کرد و مورد امضاء قرار داد و در تجربه و عمل نیز مثبت و موفق از آب درآمد و مصوبات آن با دقت با معیار ارزشی اسلامی منطبق گشت و بمرحله نهائی رسید، باید مورد حمایت جدی قرار

گرفته شود تا صلاح و کمال جامعه تأمین گردد.

در این جا مناسب است مقداری از عبارات بلند و پرمغز حضرت امام قدس سره که در وصیت نامه سیاسی الهی درباره جایگاه مجلس شورای اسلامی و نقش شورای نگهبان و وظایف خطیر آنان، برای بیشتر روشن شدن مطلب عیناً آورده شود!

«از مهمات امور تعهد وکلای مجلس شورای اسلامی است ما دیدیم که اسلام و کشور ایران چه صعوبات بسیار غم انگیزی از مجلس شورای غیر صالح و منحرف از بعد از مشروطه تا عصر رژیم جنایتکار پهلوی و از هر زمان بدتر و خطرناکتر در این رژیم تحمیلی فاسد خورد و چه مصیبت ها و خسارت های جان فرسا از این جنایتکاران بی ارزش و نوکر مآب به کشور و ملت وارد شد. در این پنجاه سال، یک اکثریت فلابی منحرف در مقابل یک اقلیت مظلوم موجب شد که هر چه انگلستان و شوروی و اخیراً آمریکا خواستند با دست همین منحرفان از خدا بی خبر انجام دهند و کشور را به تباهی و نیستی کشانند.»

و در فراز دیگری اینطور میفرماید:

«وازنمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می خواهم که اگر خدای نخواستند عناصر منحرفی با دسیسه و بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته، به مجلس راه یابد و به اقلیت های مذهبی رسمی وصیت میکنم که از دوره های رژیم پهلوی عبرت بگیرند و وکلای خود را از اشخاص منتهد به مذهب خود و جمهوری اسلامی و غیر وابسته به قدرتهای جهانخواه و بدون گرایش به مکتبهای العادلی و انحرافی و الفطالی انتخاب نمایند و از همه نمایندگان خواستارم که با کمال حسن نیت و برادری با هم مجلسان خود رفتار و همه کوشا باشند که قوانین، خدای نخواستند از اسلام منحرف نشاند، و همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید تا به سعادت دنیا و آخرت نایل آید»

سرفتیبه این است قانون وقتی میتواند نقش واقعی خودش را ایفاء نماید و اثرات و ثمرات خویش را نشان دهد که بمرحله اجراء در آید. اجراء قانون و مقررات امکان ندارد مگر در مواردی که از حمایت و پشتیبانی جدی و عمیقی برخوردار گردد و هیچ حمایت و پشتیبانی محکمتر و قوی تر از حمایت و پشتیبانی مردمی نمیتواند باشد. هر امری که در صحنه اجراء و پیاده شدن از حمایت عامه مردمی بهره مند گردد بدون تردید میتوان اطمینان کامل بدست آورد که آن موضوع مورد نیسان و فراموشی قرار نگرفته و همیشه زنده و ماندگار است. یکی از طبیعی ترین و مجربترین شیوه های حمایت مردمی و در جریان قرار گرفتن آنان، همانا شیوه پارلمان و حمایت مجلس و نمایندگان مردمی است و لذا بر همه واضح و روشن است در هر جای عالم مجلس و نمایندگان واقعی مردم از قوت و توان بیشتری برخوردار گردند و از حمایت واقعی برخوردار شوند و در نظام حاکم دارای جایگاه منیع و رفیع شوند و در تمام صحنه ها و مراحل بتوانند اظهار وجود و رأی و نظر نمایند، در آنجا در حقیقت مردم از حضور و نقش بیشتری برخوردار بوده و آن نظام و حکومت از حمایت مردمی زیادتری بهره مند خواهد شد. و لذا میتوان گفت: مجلس همان مردم و آحاد انسانهاست که در این مجموعه محدود و کوچک متبلور شده و مظهر آرمان آنان و اراده و فکر و اهدافشان میباشد حاکمیت اراده یک ملت حاکمیت و قوت مجلس و نمایندگان همان ملت است.

می خواهد ملت کرد را نابود سازد. او کینه ای دیرینه با این مردم دارد و بمباران شیمیایی حلبچه نیز بقصد انتقام گیری او از مردم کرد است که سالیان دراز با این حزب در نبرد هستند»

در حال رفتن به سوی ده عنب از مقابل پارک حلبچه عبور می کنیم اما دیگر درختان و گل‌های این باغ طراوت روز گذشته خود را ندارند. از سروهای برافراشته باغ جز تنه‌های نیمه سوخته و برزمین افتاده چپیزی باقی نمانده است، از سروصدای بازی کودکان حلبچه در این پارک دیگر خبری نیست قدری جلوتر به مینتی بوسی که سرویس کودکان دشمن بوده برمی خورم در اثر شدت بمبارانهای دشمن همچون پاره‌ای آهن در گوشه میدانگاهی افتاده است او نیز دیگر شاهد لبخندها و فریادهای شادی کودکان حلبچه نیست به روستای ده عنب می رسم اینجا عمق جنایت دشمن بیش از پیش چهره خود را نشان می داد در طول مسیر جاده خاکی و پارکی که به این روستا منتهی می شود اجساد زنان و کودکان بسیاری در کنار جویهای آب بر زمین غلتیده کفش‌ها و لباسهای کودکان و زنان در اطراف جاده روی زمین پراکنده است در مدخل ورودی روستا، یک دستگاه جیب و یک دستگاه وانت در حالی که انبوهی از زنان و کودکان داخل و

اطراف آن به شهادت رسیده اند به چشم می خورد در این روستا حتی حیوانات زبان بسته نیز از ظلم و جور صدامیان در امان نبوده اند، هیچ جاننداری در عنب جان در بدن نداشت.

بهت و حیرتی عظیم سراپای وجودم را فرا گرفته بود قبل از این صحنه‌های زیادی از شهادت دوستان و برادران بسیج را در جبهه‌ها دیده بودم و با مناظر دلخراش متعددی در طول جنگ تحمیلی برخورد کرده بودم اما این بار ابعاد فاجعه چنان عظیم بود که بهیچ عنوان تصورش نیز در مخیله ام نمی گنجید.

با همد می گفتم آن مادر در لحظه آخر چگونه کودک خویش را در آغوش فشرد و آن کودک معصوم چه سان مادر خود را به یاری طلبیده است! با خود می گفتم اگر آن خلبان آمریکائی بمب اتمی را بر روی مردم هیروشیما و ناکازاکی انداخته شاید برایش نوحه و تصور گرفتن جان آن همه انسان با این بمب چندان ناراحت کننده نبوده، زیرا در هر حال او به آن مردم به قیده دشمن به مردم یابن می نگریسته اما خلبان مزدور عراقی نمیدانم با چه منطقی به خویش اجازه داده بود تا بمبهای شیمیایی را بر روی کودکان و زنان بی دفاع کشور خویش فرو ریزد و این فاجعه دردناک را بناورد؟

«و سبعلم اللذین ظلموا ای مغلوب یظلمون»

### بقیه از حساب روز قیامت

و بی انصافی و تخلف از موازین اسلامی در مسیر انحراف گام برمیدارند در روز قیامت بدون حساب وارد جهنم می شوند.

**سوم-** کسی که در دوران پیروی در راه بی عفتی گام بردارد.

این چنین افراد بجای اینکه باین موضوع توجه کنند که دوره پیروی دوران نشئه و توبه و بیداری است و پیدایش یک موی سفید در چهره و رو با انحطاط رفتن نیروها و پدید آمدن چین و چروک در سیما هریک بانگ بیدارباش و زنگ خطر است اگر در راه بی عفتی و آلودگی گام بگذارند و در سرایشب سقوط حرکت کنند سرانجام جز جهنم مأوانی نخواهند داشت.

وبش المصیر.

ادامه دارد

۱- سوره قمر، آیه ۵۱.

۲- کتابه الموحلین، ج ۳ ص ۲۹۹.

۳- سوره قاطر، آیه ۳۴.

۴- اتصال صدوق، ص ۸۰.

۵- کتابه الموحلین، ج ۳ ص ۳۰۲.

۶- اتصال صدوق، ص ۸۰.

### بقیه از قانون وجایگاه رفیع آن در نظام اسلامی

مجلس مردمی و نمایندگان مردمی همان مردم هستند که درباره سرنوشت خودشان تصمیم میگیرند و برای تأمین کمال و سعادت خودشان مقررات وضع مینمایند و نمایندگان مردم اگر قوی و دارای فکر و اندیشه و اراده قوی و محکم باشند و از روی علم و اطلاع و آینده نگرانه، بمسائل خرد و کلان جامعه نظر کنند، پیدا است که چه عواقب روشن و درخشانی برای ملت و امت میتوانند ترسیم و پیش بینی نمایند و بالعکس اگر خدای نخواست مجلس و نمایندگان مجلس دارای گرایشهای التقاطی و انحرافی باشند و از متن مردم و جامعه برخاسته نباشند و روی مصالح عمومی و مردمی و ملت و امت اسلامی تکیه ننمایند و تصمیمات مهمی که تأمین کننده مصالح دیگران و قدرتهای بزرگ شیطانی است بگیرند، خدا میداند که آینده چقدر تاریک و ظلمانی بوده و چه عواقب دردناکی برای آن ملت و برای دنیای اسلام دنبال خواهد داشت و برای همین جهت امام عزیز بیش از همه نهادها و ارگانها روی مجلس تکیه مینمایند و نقش بالایی مجلس را گوشزد مینمایند و برای جلوگیری از این نوع خطرات که بعضی از آنها اجمالاً اشارت رفت، با نگرانی خاصی هشدارها

و پیش بینی های لازم را بعمل آورده و با تواضع کریمانه و پیامرگونه مینمایند: «و از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در این عصر و عصرهای آینده می خواهیم که اگر خدای نخواست عناصر منحرفی یا دسیسه بازی سیاسی و کالت خود را به مردم تحمیل نمودند، مجلس اعتبارنامه آنان را رد کنند و نگذارند حتی یک عنصر خرابکار وابسته به فحش راه یابد.» فلسفه و دلیل مسئله، روشن و آشکار است و آن این است که مجلس شورای اسلامی بعنوان یک نهاد مردمی و مسئول قانون گذاری نظام جمهوری اسلامی ایران و در رأس قوای دیگر نظام علاوه بر اینکه خط مشی و برنامه ریزی و سیاست گذاری نظام را بعهده دارد و حق اعمال نظارت و اشراف و تحقیق و بررسی در تمام شئون کشور را دارد، دارای هویت و شخصیت سیاسی هم میباشد. نمایندگی در مجلس در عین اینکه وظایف قانون گذاری و اعمال نظارت در تمام امور کشور را دارد به نمایندگی ماهیت و هویت سیاسی نیز می بخشد، قهراً اگر خدای ناکرده و نخواست اگر افرادی که دارای وابستگیهای گروهی و سیاسی بیکی از قدرتهای بزرگ جهانی شرقی و یا غربی باشند و مردم در اثر اغراض بجهل و عدم توجه، چنین افرادی را به مجلس بفرستند و آنها بعنوان نمایندگان مردم، خودشان را در جامعه و مجلس جا بیاندازند و کم کم مجلس نیز بی اعتبار از کارشان عبور و نمایندگان مردم، حساسیت لازم را نشان ندهند، خدا میداند نهایت کار بکجا خواهد انجامید و انشاء الله چنین چیزی بوجود نخواهد آمد.